

متن دعای عرفه مفاتیح الجنان

متن حاضر دعای عرفه امام حسین علیه السلام با ترجمه حضرت آیت الله مکارم شیرازی توسط سایت هدانا از مفاتیح نوین معظم له برای شما آماده شده است.

[لینک دعا در روی سایت هدانا](#)

<https://goo.gl/sCkW23>

5-دعای معروف عرفه

از جمله دعا‌هایی که خواندنش در روز عرفه سفارش شده است دعای معروف و مشهور سالار شهیدان امام حسین (علیه السلام) است که از محتوای بسیار باارزش و بی نظیری برخوردار است؛ این دعای پرفیض، گنجینه‌ای از معارف اسلامی است که راه خداشناسی و توبه و بازگشت به او را، به هر خداجوی مسلمانی می آموزد، و روح را به بالاترین اوج معرفت، می رساند؛ می توان گفت یک دوره عرفان اسلامی در آن درج است.

بشر و بشیر (۱۶) از فرزندان «غالب اسدی» روایت کرده اند که: عصر روز «عرفه» در سرزمین «عرفات» خدمت امام حسین (علیه السلام) بودیم که آن حضرت با گروهی از اهل بیت و شیعیان خود، در نهایت خشوع و فروتنی، از خیمه خویش بیرون آمدند و در قسمت چپ کوه [= جبل الرحمه، کوه معروفی است در وسط عرفات] رو به سوی کعبه ایستادند و همانند فقیر و نیازمندی که چیزی طلب کند، دست ها را در برابر صورت گرفتند و این دعا را خواندند: (۱۷)

(برای توجّه بیشتر به محتوای این دعا آن را به نه بخش تقسیم کردیم.)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعٌ

ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش مانعی و نه مانند ساخته اش ساخته هیچ

صانع، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَاتَّقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ،

سازنده ای و اوست بخشنده وسعت ده که آفرید انواع گوناگون پدیده ها را و به حکمت خویش محکم ساخت مصنوعات را (ای عالم وجود)

لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ، جَازِي كُلِّ صَانِعٍ،

بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او ضایع نشود پاداش دهنده عمل هر سازنده

و رَأَيْسُ كُلِّ قَانِعٍ، وَ رَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ

و سامان دهنده زندگی هر قناعت پیشه و مهربان نسبت به هر نالان، فرو فرستنده هر سود و بهره و آن کتاب جامع که

بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَ هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَ لِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَ لِلدَّرَجَاتِ

فرستادش بوسیله نور آن نور درخشان و اوست که دعاها را شنواست و گرفتاریها را برطرف کند و درجات

رَافِعٌ، وَ لِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَلَا شَيْءٌ يَغْدِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ

را بالا برد و گردنکشان را ریشه کن سازد پس معبودی جز او نیست و چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش

شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْلطِيفُ الْخَبِيرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

نیست و او شنواست و بینا و دقیق و آگاه و او بر هر چیز تواناست.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقَرَّراً بِأَنَّكَ رَبِّي، وَ إِلَيْكَ

خدایا من بسوی تو اشتیاق دارم و به پروردگاری تو گواهی دهم اقرار دارم به این که تو پروردگار منی و بسوی توست

مَرْدِي، إِبْتِدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً، وَخَلَقْتَنِي مِنْ

بازگشت من آغاز کردی وجود مرا به رحمت خود پیش از آن که باشم چیز قابل ذکری و مرا از

التُّرَابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِناً لِرَيْبِ الْمُنُونِ، وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ

خاک آفریدی آنگاه در میان صلبها جایم دادی و ایمنم ساختی از حوادث زمانه و تغییرات روزگار

وَالسِّنِينَ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُومِ الْأَيَّامِ

و سالها و همچنان همواره از صلبی به رحمی کوچ کردم در ایام

الْمَاضِيَةِ، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي

قدیم و گذشته و قرنهای پیشین و از روی مهر و رأفتی که به من داشتی

وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَيْمَةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ،

و احسانت نسبت به من مرا به جهان نیامودی در دوران حکومت پیشوایان کفر آنان که پیمان تو را شکستند و فرستادگانت را تکذیب کردند

لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَفِيهِ

ولی در زمانی مرا دنیا آوردی که پیش از آن در علمت گذشته بود از هدایتی که اسبابش را برایم مهیا فرمودی و در آن

أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوْفَتٌ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ، وَسَوَابِغِ نِعَمِكَ،

مرا نشو و نما دادی و پیش از این نیز به من مهر ورزیدی بوسیله رفتار نیکویت و نعمتهای شایانت

فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ يُمْنِي، وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثَ، بَيْنَ لَحْمٍ

که پدید آوردی خلقتم را از منی ریخته شده و جایم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) میان گوشت

وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ

و خون و پوست و گواهم نساختی در خلقتم و واگذار نکردی به من چیزی از کار خودم را سپس

أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَأَمَّماً سَوِيّاً، وَحَفِظْتَنِي

بیرونم آوردی بدانچه در علمت گذشته بود از هدایتم بسوی دنیا خلقتی تمام و درست و در حال طفولیت و خردسالی

فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً مَرِيّاً، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ

در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها شیری گوارا و دل پرستاران را بر من مهربان

قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَّلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرّوَاحِمَ، وَكَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ

کردی و عهده دار پرستاریم کردی مادران مهربان را و از آسیب جنیان نگهداریم کردی

الْجَانِّ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ،

و از زیادی و نقصان سالمم داشتی پس برتری تو ای مهربان و ای بخشاینده

حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَيْتُ نَاطِقًا بِالْكَلَامِ، اَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي

تا آنگاه که لب به سخن گشودم و تمام کردی بر من نعمتهای شایانت را و پرورش دادی

زایدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتِي، أَوْجَبْتَ

هر ساله زیادت‌تر از سال پیش تا آنگاه که خلقت‌م کامل شد و تاب و توانم به حد اعتدال رسید واجب کردی

عَلَيَّ حُجَّتَكَ، بِأَنَّ الْأَهْمَتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ،

بر من حجت خود را بدین ترتیب که معرفت خود را به من الهام فرمودی و بوسیله عجایب حکمتت به
هراسم انداختی

وَأَيَّقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَوَأَرَضَيْكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَّهْتَنِي

و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمان و زمینت از پدیده‌های آفرینشت و آگاهم کردی

لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ

به سپاسگزاری و ذکر خودت و اطاعت و عبادتت را بر من واجب کردی و آنچه

بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ

رسولانت آورده بودند به من فهماندی و پذیرفتن موجبات خشنودیت را برایم آسان کردی و در تمام اینها

بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً

به یاری و لطف خود بر من منت نهادی سپس به این که مرا از بهترین خاکها آفریدی راضی نشدی ای معبود
من که تنها از نعمتی

دُونَ أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ، بِمَنِّكَ

برخوردار شوم و از دیگری منع کردم بلکه روزیم دادی از انواع (نعمتهای) زندگی و اقسام لوازم کامرانی و این
بواسطه آن نعمت بخشی

الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا اَتَمَمْتَ عَلَيَّ

بزرگ و بزرگ‌ترت بود بر من و آن احسان دیرینه ات بود نسبت به من تا این که تمام نعمتها را بر من کامل
کردی

جَمِيعَ النَّعْمِ، وَصَرَفْتُ عَنِّي كُلَّ النَّقْمِ، لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ،

و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختی باز هم نادانی و دلیری من بر من جلوگیری نشد

أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ

از این که راهنماییم کردی بدانچه مرا به تو نزدیک کند و موفقم داشتی بدانچه مرا به درگاهت مقرب سازد که اگر بخوانمت

أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ

پاسخم دهی و اگر بخواهم از توبه من عطا کنی و اگر اطاعت کنم قدردانی کنی و اگر سپاسگزاری کنم

زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ

بر من بیفزایی و همه اینها برای کامل ساختن نعمتهای تو است بر من و احسانی که به من داری پس منزهی تو،

سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظُمَتْ

منزه که آغازنده نعمتی و بازگرداننده و ستوده و بزرگواری بسی پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است

الْأُوكُ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَدًا وَذِكْرًا، أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا

نعمتهای تو پس ای معبود من کدام یک از نعمتهایت را بشماره درآورده و یاد کنم یا برای کدام یک از عطاهایت به

شُكْرًا، وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا

سپاسگزاری اقدام کنم در صورتی که آنها ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش

الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتُ وَذَرَأْتُ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرَ

حافظان بدانها رسد سپس ای خدا آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور کرده و باز داشتی بیشتر بوده

مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ.

از آنچه برایم آشکار شد از تندرستی و خوشی.

وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَخَالِصِ

و من گواهی دهم خدایا به حقیقت ایمان خودم و بدانچه تصمیمات یقینم بدان بسته استو توحید خالص

صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ

و بی شائبه خود و درون سرپوشیده نهادم و رشته های دید نور

بَصْرِي، وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَخَذَارِيفِ

چشمانم و خطوط صفحه پیشانیم و رخنه های راههای تنفسم و پرده های

مَارِنِ عِزْنِي، وَ مَسَارِبِ سِمَاحِ سَمْعِي، وَ مَا ضُمْتُ وَ أَطَبَقْتُ عَلَيْهِ

نرمه بینیم و راههای پرده گوشم و آنچه بچسبد و روی هم قرار گیرد

شَفَتَايَ، وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَغْرَزِ حَنَكِ قَمِي وَفَكِّي، وَ مَنَابِتِ

بر آن دو لبم و حرکتهای تلفظ زبانم و محل پیوست کام (فک بالای) دهان و آرواره ام

أَضْرَاسِي، وَ مَسَاغِ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي، وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي، وَ بُلُوعِ فَارِغِ

و محل بیرون آمدن دندانهایم و محل چشیدن خوراک و آشامیدنیهایم و رشته و عصب مغز سرم و لوله (حلق) متصل به

حَبَائِلِ عُنُقِي، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي، وَ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي،

رگهای گردنم و آنچه در برگرفته آن را قفسه سینه ام و رشته های رگ قلبم

وَ نِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَ أَفْلَاحِ خَوَاشِي كَبِدِي، وَ مَا حَوَّثَهُ شَرَاسِيفُ

و شاهرگ پرده دلم و پاره های گوشه و کنار جگرم و آنچه را در بردارد استخوانهای

أَضْلَاعِي، وَ حِقَاقِ مَفَاصِلِي، وَقَبْضُ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافُ أَنَامِلِي،

دنده هایم و سربندهای استخوانهایم و انقباض عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و

وَلَحْمِي وَ دَمِي، وَشَعْرِي وَ بَشْرِي، وَ عَصْبِي وَ قَصْبِي، وَ عِظَامِي وَ مُحْيِي

گوشتم و خونم و موی بدنم و بشره پوستم و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم

وَعُرْوَى، وَ جَمِيعُ جَوَارِحِي، وَ مَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَ مَا

و رگهایم و تمام اعضا و جوارحم و آنچه بر اینها بافته شده از دوران شیرخوارگی و آنچه را

أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي، وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي وَ سُكُونِي، وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي

زمین از من بر خود گرفته و خوابم و بیداریم و آرامیدنم و حرکتهای رکوع و

وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ، لَوْ

سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین

عُمُرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ، مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ

عمری بکنم و بخواهم شکر یکی از نعمتهای تو را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که

الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرَكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَ ثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا، أَجَلٌ، وَ لَوْ

آن خود واجب کند بر من سپاسگزاری را دوباره از نو و موجب ستایشی تازه و ریشه دار گردد آری و اگر

حَرَضْتُ أَنَا وَالْعَادُّونَ مِنْ أَنَامِكَ، أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَ آتِيهِ،

حریص باشم من و حسابگران از مخلوقات که بخواهیم اندازه نعمت بخشیهای تو را از گذشته و آینده

مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَ لَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا، هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ، وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ

به حساب درآوریم نتوانیم بشماره درآوریم و نه از نظر زمان و اندازه آن را احصا کنیم! هیهات! کجا چنین چیزی میسر است و تو خود

فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَ النَّبِيُّ الصَّادِقِ: وَ إِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا.

در کتاب گویا و خبر راست و درستت خبر داده ای که «اگر بشمارید نعمت خدا را احصا نتوانید کرد»

صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنْبَاؤُكَ، وَ بَلَغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَ رُسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ

خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیمبران و رسولانت هرچه را بر ایشان از وحی خویش

مِنْ وَحْيِكَ، وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِهِمْ (۱۸) مِنْ دِينِكَ.

فرو فرستادی و آنچه را تشریع کردی برای آنها و بوسیله آنها از دین و آیین خود.

غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي، وَ مَبْلَغِ طَاعَتِي وَ وُسْعِي، وَ أَقُولُ

جز این که معبودا من گواهی دهم به سعی و کوششم و به اندازه رسایی طاعت و وسعم و از

مُؤْمِنًا مُوقِنًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَورُوثًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ

روی ایمان و یقین می گویم ستایش خدایی را سزااست که نگیرد فرزندی تا از او ارث برند و نیست برایش

شَرِيكَ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَ لَا وَلِيٍّ مِنَ الذُّلِّ فَيُزِفْدَهُ فِيمَا

شریکی در فرمانروایی تا با او ضدیت کنند در آنچه پدید آورد و نه نگهداری از خواری دارد تا کمکش کند

صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا،

در آنچه بوجود آورد پس منزه باد منزه که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباه می شدند و از هم متلاشی می گشتند

سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

منزه است خدای یگانه یکتای بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست برایش

كُفُوًا أَحَدًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِهِ

همتایی هیچ کس ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیمبران

الْمُرْسَلِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ

مرسلش باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمد خاتم پیمبران و آل پاک و

الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ، وَسَلَّمْ.

پاکیزه و خالص او باد و سلام.

آنگاه حضرت، پس از ذکر آن همه اوصاف الهی و تسبیح و تقدیس پروردگار حاجت خود را عرضه داشت و در حالی که اشک از چشمان مبارکش سرازیر بود گفت:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ، وَ لَا تُشْقِنِي

خدایا چنانم ترسان خودت کن که گویا می بینمت و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به واسطه نافرمانیت بدبختم

بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِزْلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ

مکن و در سرنوشت خود خیر برایم مقدر کن و مقدراتت را برایم مبارک گردان تا چنان نباشم که

تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي،

تعجیل آنچه را تو پس انداخته ای بخواهم و نه تأخیر آنچه را تو پیش انداخته ای خدایا قرار ده بی نیازی در نفس من

وَالْيَقِيْنَ فِي قَلْبِي، وَالْاِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيْرَةَ

و یقین در دلم و اخلاص در کردارم و روشنی در دیده ام و بینایی

فِي دِيْنِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي،

در دینم و مرا از اعضا و جوارحم بهره مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ سلامت باشند)

وَانْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَارِنِي فِيْهِ ثَارِي وَ مَارِبِي، وَاقْرَ بِذَلِكَ

و یاریم ده بر آن کس که به من ستم کرده و انتقام گیری مرا و آرزویم را درباره اش به من بنمایان و دیده ام را در این باره

عَيْنِي، اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ كُزْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاغْفِرْ لِي خَطِيْئَتِي، وَاخْسَأْ

روشن کن خدایا محنتم را برطرف کن و زشتیهایم بپوشان و خطایم بیامرزد و شیطان

شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا اِلٰهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْاٰخِرَةِ

و اهریمنم را از من بران و ذمه ام را از گرو پرهان و قرار ده خدایا برای من درجه والا در آخرت

وَالْاُوْلٰى، اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيْرًا، وَلَكَ

و در دنیا خدایا حمد تو راست که مرا آفریدی و شنوا و بینا قرارم دادی

الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتُ عَنْ

و ستایش تو راست که مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی در صورتی که تو از

خَلَقَ غَنِيًّا، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَّلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي

خلقت من بی نیاز بودی پروردگارا به آن طور که مرا پدیدآوردی و در خلقتم اعتدال بکار بردی پروردگارا به آن طور که بوجودم آوردی و

فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفَى نَفْسِي عَافِيَتَنِي، رَبِّ بِمَا

صورتم را نیکو کردی پروردگارا به آن طور که به من احسان کردی وعافیتم دادی پروردگارا آن چنانکه

كَلَأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ

مرا محافظت کردی و موفقم داشتی پروردگارا آن چنانکه بر من انعام کرده و هدایتم فرمودی پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از

كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي

هر خیری به من عطا کردی پروردگارا آن چنانکه مرا خوراندی و نوشاندی پروردگارا آن چنانکه بی نیازم کردی

وَأَقْبَلْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ

و سرمایه ام دادی پروردگارا آن چنانکه کمکم دادی و عزتم بخشیدی پروردگارا آن چنانکه مرا از خلعت باصفایت پوشاندی

الصَّافِي، وَ يَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

و از مصنوعات به حد کافی در اختیارم گذاردی (چنانکه این همه انعام کردی) درود فرست بر محمد و آل محمد و

وَأَعِنِّي عَلَى بَوَاقِي الدُّهُورِ، وَ صُرُوفِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ، وَ نَجِّنِي مِنْ

کمکم ده بر پیش آمدهای ناگوار روزگار و کشمکشهای شبها و روزها و از هراسهای

أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي

دنیا و اندوههای آخرت نجاتم ده و از شر آنچه ستمگران در زمین انجام دهند مرا کفایت فرما

الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَأَكْفِنِي، وَمَا أَخْذَرُ فَقِنِي، وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي

خدایا از آنچه می ترسم کفایت کن و از آنچه برحذر، نگاهم دار و خودم و دینم

فَافْرُسْنِي، وَ فِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَ فِي أَهْلِي وَ مَالِي فَاخْلُفْنِي، وَ فِيمَا

را حفظ کن و در سفر محافظتم کن و در خانواده و مالم جانشین من باش و در آنچه

رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَ فِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي،

روزیم کرده ای برکت ده و مرا در پیش خودم خوار کن و در چشم مردم بزرگم کن و

وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَ بِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَ بِسِرِّيرَتِي

از شر جن و انس بسلامتم بدار و به گناهان رسوایم مکن و به اندیشه های باطنم

فَلَا تُخْزِنِي، وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي، وَ نِعَمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَ إِلَى غَيْرِكَ فَلَا

سرافکنده ام مکن و به کردارم دچارم مساز و نعمتهایت را از من مگیر و بجز خودت به دیگری

تَكِلْنِي، إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي، إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ

واگذارم مکن خدایا به که واگذارم می کنی آیا به خویشاوندی که از من ببرد یا بیگانه ای که مرا از خود دور کند یا

فَيَتَجَهَّمُنِي، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضَعْفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي، وَمَلِيكَ أَمْرِي، أَشْكُو

به کسانی که خوارم شمرند و تویی پروردگار من و زمامدار کار من بسوی

إِلَيْكَ غُرَبَتِي، وَ بُعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا

تو شکایت آرم از غربت خود و دوری خانه ام و خواریم نزد کسی که زمامدار کار من کردی خدایا پس

تُخْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أُبَالِي سُبْحَانَكَ غَيْرَ

خشم خود را بر من مبار و اگر بر من خشم نکرده باشی باکی ندارم منزهی تو جز این که

أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلْكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ

در عین حال عافیت تو وسیعتر است برای من پس از تو خواهم پروردگارا به نور ذاتت که روشن شد بدان

الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ، وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ

زمین و آسمانها و برطرف شد بدان تاریکیها و اصلاح شد بدان کار اولین

وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ، لَكَ

و آخرین که مرا بر حال غضب خویش نمیرانی و خشمی را بر من نازل مفرمایی مؤاخذه

الْعُثْبَى لَكَ الْعُثْبَى (۱۹) حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

و بازخواست حق توست تا گاهی که پیش از آن راضی شوی معبودی جز تو نیست.

رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَخْلَلَتْهُ الْبَرَكَةُ،

که پروردگار شهر محترم و مشعر الحرام و خانه کعبه ای آن خانه ای که برکت را بدان نازل کردی

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ

و آن را برای مردمان خانه امنی قرار دادی ای کسی که از گناهان بزرگ به بردباری خود درگذری ای که نعمتها را به

النِّعْمَاءِ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُذَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا

فضل خود فراوان گردانی ای که عطایای شایان را به کرم خود بدهی ای ذخیره ام در سختی ای

صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي

رفیق و همدم در تنهایی ای فریادرس من در گرفتاری ای ولی من در نعمتم ای معبود من

وَالِهَ آبَائِي، إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ، وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ جِبْرِئِيلَ

و معبود پدرانم ابراهیم و اسمعیل و (معبود) اسحاق و یعقوب و پروردگار جبرئیل

وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ الْمُتَتَجَبِّينَ،

و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و آل برگزیده اش

وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمُنْزِلَ كَهْيَعص، وَطَه

و فروفرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن و نازل کننده کهیعیص و طه

وَيْسَ، وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُغَيِّنِي الْمَذَاهِبَ فِي سَعَتِهَا،

و «یس و قرآن حکمت آموز» تویی پناه من هنگامی که درمانده ام کنند راهها با همه وسعتی که دارند

وَتَضِيقُ بِيَ الْأَرْضَ بِرُحْبِهَا، وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ

و زمین بر من تنگ گیرد با همه پهناوریش و اگر نبود رحمت تو بطور حتم من هلاک شده بودم و تویی

مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَلَوْلَا سَتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي

نادیده گیر لغزشم و اگر پرده پوشی تو نبود مسلماً من از رسواشدگان بودم و تویی که

بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَ لَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ

به یاری خود مرا بر دشمنانم یاری دهی و اگر نبود یاری تو من مغلوب شده بودم ای که

خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ الرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَغْتَرُّونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ

مخصوص کرده خود را به بلندی و برتری و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند ای که

الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ

پادشاهان در برابرش طوق خواری به گردن گذارند و آنها از سَطَوَاتِش ترسانند می داند حرکت (یا خیانت)

الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ، يَا مَنْ

چشمها و آنچه را سینه ها پنهان کنند و حوادثی که در کمون زمانها و روزگارهاست ای که

لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا

نداند چگونگی او را جز خود او ای که نداند چیست او جز او ای که نداند او را جز

هُوَ(۲۰)، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ

خود او ای که زمین را بر آب فرو بُردی و هوا را به آسمان بست ای که

أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقْبِضَ الرُّكْبِ

گرامی ترین نامها از اوست ای دارنده احسانی که هرگز قطع نشود ای گمارنده کاروان برای نجات

لِيُوسَفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرَ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ

یوسف در آن جای بی آب و علف و بیرون آورنده اش از چاه و رساننده اش به پادشاهی پس از بندگی

مَلِكًا، يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْتِئَصَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا

ای که او را برگرداندی به یعقوب پس از آن که دیدگانش از اندوه سفید شده بود و آکنده از غم بود ای

كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ، وَمُمْسِكَ يَدَيِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَّبْحِ ابْنِهِ،

برطرف کننده سختی و گرفتاری از ایوب و ای نگهدارنده دستهای ابراهیم از ذبح پسرش

بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ

پس از سن پیری و بسرآمدن عمرش ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی و یحیی را به او بخشیدی و

يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ

او را تنها و بی کس وامگذاردی ای که بیرون آورد یونس را از شکم ماهی ای که شکافت

الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرَقِينَ، يَا

دریا را برای بنی اسرائیل و (از فرعونیان) نجاتشان دادو فرعون و لشکریانش را غرق کرد ای

مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ

که فرستاد بادهای را نوید دهندگانی پیشاپیش آمدن رحمتش ای که شتاب نکند بر (عذاب)

عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ

نافرمانان از خلق خود ای که نجات بخشید ساحران (فرعون) را پس از سالها انکار (و کفر) و چنان

غَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ يَا كُلُّونَ رِزْقِهِ، وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادَّوْهُ وَنَادَّوْهُ،

بودند که متنعم به نعمتهای خدا بودند که روزیش را می خوردند ولی پرستش دیگری را می کردند و با خدا دشمنی و ضدیت داشتند

وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِي، يَا بَدِيعًا لَا نَدَّ لَكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ،

و رسولانش را تکذیب می کردند ای خدا ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده ای که همتا نداری ای جاویدانی که زوال نداری

یا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، یا مُحْيِيَ الْمَوْتِ، یا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا

ای زنده در آنگاه که زنده ای نبودای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری بر هرکس بدانچه

كَسَبَتْ، یا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظَمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ

انجام داده ای که سپاسگزاری من برایش اندک است ولی محروم نکند و خطایم بزرگ است ولی

يَفْضَحْنِي، وَ رَانِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، یا مَنْ حَفَظَنِي فِي

رسوایم نکند و مرا بر نافرمانی خویش ببند ولی پرده ام نبرد ای که مرا در

صَغَرِي، یا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، یا مَنْ آيَادِهِ عِنْدِي لَا تُخْصِي، وَنِعْمُهُ

کودکی محافظت کردی ای که در بزرگی روزیم دادی ای که اندازه مرحمت هایی که به من کردی بشماره نیاید و نعمتهایش

لَا تُجَازِي، یا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْأُسَاءَةِ

را تلافی ممکن نباشد ای که روبه رو شد با من به نیکی و احسان ولی من با او به بدی

وَالْعِصْيَانِ، یا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْأُمْتِنَانِ، یا

و گناه روبه رو شدم ای که مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آن که بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را ای که

مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضاً فَشَفَانِي، وَعُزْبَاناً فَكَسَانِي، وَجَائِعاً فَأَشْبَعَنِي،

خواندمش در حال بیماری و او شفایم داد و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد

وَعَطْشَاناً فَأَرْوَانِي، وَذَلِيلاً فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلاً فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيداً

و در تشنگی و او سیرابم کرد و در خواری و او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در تنهایی

فَكَثَّرَنِي، وَغَائِباً فَرَدَّنِي، وَمُقِلّاً فَأَغْنَانِي، وَمُنْتَصِراً فَنَصَرَنِي، وَغَنِيّاً فَلَمْ

و او فزونی جمعیت داد و در دوری و او بازم گرداند و در نداری و او داریم کرد و در کمک خواهی و او یاریم داد و در ثروتمندی و او

يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَذَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يَا

از من سلب نفرمود و (هنگامی که) از همه این خواسته ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن توست حمد و سپاس ای

مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَ نَفْسَ كُزْبَتِي، وَ أَجَابَ دَعْوَتِي، وَ سَتَرَ عَوْرَتِي،

که لغزشم را نادیده گرفت و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عیبم را پوشاند و

وَعَفَرَ ذُنُوبِي، وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَ نَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَ إِنْ أَعَدَّ نِعَمَكَ

گناهانم را آمرزید و به خواسته ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم نعمتها و

وَمِنْكَ وَكَرَائِمَ مِنْحِكَ لَا أَحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي

عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی که منت نهادی و این تویی که

أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ

نعمت دادی این تویی که احسان فرمودی این تویی که نیکی کردی این تویی که فزونی بخشیدی این تویی

الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ،

که کامل کردی این تویی که روزی دادی این تویی که توفیق دادی این تویی که عطا کردی

أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَوْيَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ،

این تویی که بی نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که مأوی دادی این تویی که کفایت کردی

أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي

این تویی که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که پوشاندی این تویی که

عَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ

آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی که عزت بخشیدی این تویی

الَّذِي أَعْنَتْ، أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي آيَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ،

که کمک کردی این تویی که پشتیبانی کردی این تویی که تأیید کردی این تویی که یاری کردی

أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ

این تویی که شفا دادی این تویی که عافیت دادی این تویی که اکرام کردی بزرگی و

وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي

برتری از توست و ستایش همیشه مخصوص تو است و سپاسگزاری دائمی و جاوید از آن تواست و اما من ای معبودم

الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي، أَا نَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَا نَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَا نَا

کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم پس آنها را بیامرز و این منم که بد کردم این منم که خطا کردم این منم

الَّذِي هَمَمْتُ، أَا نَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَا نَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَا نَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَا نَا

که (به بدی) همت گماشتم این منم که نادانی کردم این منم که غفلت ورزیدم این منم که فراموش کردم این منم

الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَا نَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَا نَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَ أَا نَا الَّذِي أَخْلَفْتُ،

که (به غیر یا به خود) اعتماد کردم این منم که (به کاربرد) تعمد کردم این منم که وعده دادم و این منم که خلف وعده کردم

أَا نَا الَّذِي نَكَّثْتُ، أَا نَا الَّذِي أَفْزَرْتُ، أَا نَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ

این منم که پیمان شکنی کردم این منم که به بدی اقرار کردم این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود اعتراف دارم

وَعِنْدِي، وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَصْرُهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَ هُوَ

و با گناهانم بسویت بازگشته ام پس آنها را بیامرز ای که زیانش نرساند گناهان بندگان و

الْعَنَى عَنْ طَاعَتِهِمْ، وَالْمَوْفَّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ،

از اطاعت ایشان بی نیازی و تو آنی که هرکس از بندگان کردار شایسته ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی

فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي، إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَ نَهَيْتَنِي فَأَزْتَكَبْتُ

پس تو راست ستایش ای معبود و آقای من خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم

نَهَيْكَ، فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةَ لِي فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذَا قُوَّةَ فَأَنْتَصِرُ، فَبِأَيِّ شَيْءٍ

و اکنون به حالی افتاده ام که نه وسیله تبرئه ای دارم که پوزش خواهم و نه نیرویی دارم که بدان یاری گیرم پس به چه وسیله

أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ، أِبِسْمَعِي أَمْ بِبَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي، أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي،

با تو روبه رو شوم ای مولای من آیا به گوشم یا به چشمم یا به زبانم یا به دستم یا به پایم

الْأَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَ بِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ

آیا همه اینها نعمتهای تو نیست که در پیش من بود و با همه آنها تو را معصیت کردم ای مولای من پس تو حجت

وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَرْجُرُونِي، وَ مِنْ

و راه مؤاخذه بر من داری ای که مرا پوشاندی از پدران و مادران که مرا از نزد خود برانند و از

الْعَشَائِرِ وَالْأَخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنْ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَ لَوْ

فامیل و برادران که مرا سرزنش کنند و از سلاطین و حکومتها که مرا شکنجه کنند و اگر

اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَ لَرَفَضُونِي

آنها مطلع بودند ای مولای من بر آنچه تو بر آن مطلعی از کار من در آن هنگام مهلتم نمی دادند و از خود دورم می کردند

وَ قَطَعُونِي، فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ، يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ

و از من می بریدند و اینک خدایا این منم که در پیشگاهت ایستاده ای آقای من با حال خضوع و خواری و درماندگی و کوچکی

حَقِيرٌ، لَا دُورَ بَرَاءَةٍ فَأَعْتَذِرُ، وَ لَا دُورَ قُوَّةٍ فَأَتَنْصِرُ، وَلَا دُورَ حُجَّةٍ فَأَخْتَجُ

نه وسیله تبرئه جویی دارم که پوزش طلبم و نه نیرویی که یاری جویمو نه حجت و برهانی که بدان چنگ زنم

بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَ لَمْ أَعْمَلْ سُوءًا، وَ مَا عَسَى الْجُحُودُ وَ لَوْ

و نه می توانم بگویم که گناه نکرده ام و کجا می تواند انکار فرضاً که

جَحَذْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعْنِي، كَيْفَ وَ أَنَّى ذَلِكْ، وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ

انکار کنم ای مولای من سودم بخشد! چگونه؟ و کجا؟ با این که تمام اعضای من گواهند

عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ (۲۱) يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَأَلْتَنِي مِنْ عَظَائِمِ

بر من به آنچه انجام داده و به یقین می دانم و هیچ گونه شک و تردیدی ندارم که تو از کارهای بزرگ

الْأُمُورِ، وَ أَنَّكَ الْحَكَمَ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَ عَذْلَكَ مُهْلِكِي، وَ مِنْ كُلِّ

از من پرسش خواهی کرد و تویی آن داور عادل که ستم نکند و همان عدالت مرا هلاک کند و از تمام

عَذْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَ إِنْ

عدالت تو می گریزم اگر عذابم کنی خدایا بواسطه گناهان من است پس از آن که حجت بر من داری و اگر

تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

از من درگذری پس به بردباری و بخشنده‌گی و بزرگواری توست معبودی جز تو نیست منزهی تو و من

مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ

از ستمکارانم معبودی جز تونیست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی

إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي

جز تو نیست منزهی تو و من از یگانه پرستانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و

كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ

من از ترسناکانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از هراسناکانم معبودی جز

إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي

تو نیست منزهی تو و من از امیدوارانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من

كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلِلِينَ، لَا إِلَهَ

از مشتاقانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تهلیل (لاله الاالله) گویانم معبودی

إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّالِّينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي

جز تو نیست منزهی تو و من از خواهندگانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از

كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكَبِّرِينَ،

تسبیح گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر (الله اکبر) گویانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ.

معبودی نیست جز تو منزهی تو پروردگار من و پروردگار پدران پیشین من.

اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لِدُكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَإِقْرَارِي

خدایا این ستایش من بر تو در مقام تمجیدت و این است اخلاص من بذکر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من

بِإِلَائِكَ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكُنْتُ زَاهِدًا وَسُبُوحًا

به نعمتهایت در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی

وَتَظَاهِرُهَا، وَتَقَادُمُهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ

و آشکاری آنها و پیشی جستن آنها از زمان پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری می کردی از آن ساعت که مرا آفریدی

خَلَقْتَنِي، وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشَفِ الضَّرِّ،

از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی و گرفتاریم برطرف کردی

وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ، وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ،

و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی و تنم را تندرست

وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ

و دینم را بسلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه ای که نعمتت را ذکر کنم تمام جهانیان

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذِيكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ

از اولین و آخرین نه من قدرت ذکرش را دارم نه آنها منزهی تو و برتری

مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُخْصِي الْأَوْكَ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا

از این که پروردگاری هستی کریم و بزرگ و مهربان که مهرورزی هایت به شماره درنیاید و ستایشت به آخر
نرسد

تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاتِّمِمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ،

و نعمتهایت را تلافی نتوان کرد درود فرست بر محمد و آل محمد و کامل گردان بر ما نعمتهایت را

وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ،

و بوسیله اطاعت خویش سعادت‌مندان گردان منزهی تو معبودی جز تو نیست خدایا تویی که اجابت کنی
دعای درمانده را

وَتَكْشِفُ الشُّوْءَ، وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ،

و برطرف کنی بدی را و فریادرسی کنی از گرفتار و شفا دهی به بیمار و بی نیاز کنی فقیر را

وَتُجَبِّرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا

و مرمت کنی شکستگی را و رحم کنی به کودک خردسال و یاری دهی به پیر کهنسالو جز تو پشتیبانی نیست
و نه

فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ

فوق (توانایی) تو توانایی و تویی والای بزرگ ای رهاکننده اسیر در کُند و زنجیر ای روزی دهنده

الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا

کودک خردسال ای پناه شخص ترسانی که پناه جوید ای که شریک و

وَزِيرٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا

وزیری برای او نیست درود فرست بر محمد و آل محمد و عطا کن به من در این شام بهترین چیزی را

أَعْطَيْتَ وَأَنْلَتْ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُؤْلِيهَا، وَ الْاءِ تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةَ

که عطا کردی و دادی به یکی از بندگانت چه آن نعمتی باشد که می بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که

تَضْرِفُهَا، وَكُرْبَةً تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةً تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةً تَتَقَبَّلُهَا، وَسَيِّئَةً

می گردانی و غم و اندوهی که برطرف کنی و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که بپذیری و گناہانی که

تَتَغَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللَّهُمَّ إِنَّكَ

بیوشانی که براستی تو بهر چه خواهی دقیق و آگاهی و بر هرچیز توانایی خدایا تو

أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى،

نزدیکترین کسی هستی که خوانندت و از هر کس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هر کس بزرگوartری و در عطا بخشی عطایت از همه وسیعتر

وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ

و در اجابت درخواست از همه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان آن دو براستی کسی که مانند تو

مَسْئُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَنِي، وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي،

از او درخواست شود نیست و جز تو آرزو شده ای نیست خواندمت و تو اجابت کردی و درخواست کردم و تو عطا کردی و

وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي، وَوَقِفْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي،

به درگاه تو میل کردم و تو مرا مورد مهر خویش قرار دادی و به تو اعتماد کردم و تو نجاتم دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایتم کردی

اَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ

خدایا درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاک

الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ، وَهِنَّا عَطَاكَ، وَ اكْتُنَّا لَكَ

و پاکیزه اش همگی و نعمتهای خود را بر ما کامل گردان و عطایت را بر ما گوارا کن و نام ما را در زمره سپاسگزارانت بنویس

شَاكِرِينَ، وَ لِإِلَآئِكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ

و هم جزء یادکنندگان نعمتهایت آمین آمین ای پروردگار جهانیان خدایا ای که مالک آمد

فَقَدَّرَ، وَ قَدَّرَ فَقَهَرَهُ، وَ عُصِيَ فَسْتَرَهُ، وَ اسْتُغْفِرَ فَغَفَرَهُ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ

و توانا، و تواناست و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشاند و آمرزشش خواهند و آمرزد ای کمال مطلوب جویندگان

الرَّغَائِبِينَ، وَ مُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاغِبِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ

مشتاق و منتهای آرزوی امیدواران ای که دانشش به هر چیز احاطه دارد

الْمُسْتَغِيثِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا.

و رأفت و مهر و بردباریش توبه جویان را فرا گرفته.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا، بِمُحَمَّدٍ

خدایا ما رو به درگاه تو آوریم در این شبی که آن را شرافت و بزرگی دادی بوسیله محمد

نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَآمِينَكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ

پیامبرت و فرستاده ات و برگزیده ات از آفریدگان و امین تو بر وحیت آن مژده دهنده

النَّذِيرِ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً

و ترساننده و آن چراغ تابناک آن که بوسیله اش بر مسلمانان نعمت بخشیدی و رحمت

لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ

عالمیان قرارش دادی خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه محمد نزد تو شایسته

مِنْكَ يَا عَظِيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الْمُتَتَجِبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

آن است ای خدای بزرگ پس درود فرست بر او و بر آل برگزیده پاک و پاکیزه اش

أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَالَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ،

همگی و بیوشان ما را به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف لغتهاشان (و هرکس به زبانی ناله اش) بسوی تو بلند است

فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ،

پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره ای از هر خیری که میان بندگان تقسیم فرمایی

وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَهَ تَنْزِلُهَا، وَعَافِيَةً تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقَ

و نوری که بدان هدایت فرمایی و رحمتی که بگستری آن را و برکتی که نازلش کنی و عافیتی که بیوشانی و روزی و رزقی که

تَبْسُطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ

پهن کنی ای مهربانترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این هنگام پیروزمند و

مُفْلِحِينَ، مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخْلِنَا مِنْ

رستگار و پذیرفته و بهره مند و از ناامیدان قرارمان مده و از رحمت دست خالیمان

رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنا مَا نُؤْمِلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ

مفرما و محرومان مکن از آنچه از فضل تو آرزومندیم و جزء محرومان رحمت قرارمان مده

مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلٍ مَا نُؤْمِلُهُ مِنْ عَطَايِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ،

و نه ناامیدمان کن از آن زیادی عطایت که آرزومندیم و ناکام بازمان مگردان و

وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَآكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ

از درگاهت مطرود و رانده مان مکن ای بخشنده ترین بخشنندگان و کریمترین کریمان ما با

أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَ لِيَبْتَئِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا،

یقین به درگاه تو روآوردیم و به آهنگ (زیارت) خانه محترم تو (کعبه بدین جا) آمدیم پس کمک ده ما را بر انجام مناسک حج

وَ اكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا، وَ اغْفُ عَنَّا (۲۲) وَ عَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا، فَهِيَ بِذِلَّةٍ

و حجهان را کامل گردان و از ما درگذر و تندرستمان دار زیرا که مابسوی تو دو دست (نیاز)دراز کرده ایم و آن دستها چنان است که به خواری

الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةً، اَللّٰهُمَّ فَاعْطِنَا فِيْ هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَ اكْفِنَا مَا

اعتراف به گناه نشاندار شده خدایا در این شام به ما عطا کن آنچه را از تو خواسته ایم و کفایت کن از ما آنچه را از تو کفایت آن را خواستیم زیرا

اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ،

کفایت کننده ای جز تو نداریم و پروردگاری غیر از تو برای ما نیست تویی که فرمانت درباره ما نافذ و دانشت

مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ، إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ

به ما احاطه دارد و حکمی که درباره ما فرمایی ازروی عدالت است خدایا خیر و نیکی برای ما مقرر کن و از اهل

الْخَيْرِ، اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْاَجْرِ، وَ كَرِيمَ الدُّخْرِ، وَ دَوَامَ

خیر قرارمان ده خدایا واجب گردان برای ما از آن جودی که داری پاداشی بزرگ و ذخیره ای گرامی و آسایشی

الْيُسْرِ، وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا اَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ

همیشگی و بیامرز گناهان ما را همگی و در زمره هلاک شدگان بدست هلاکتان مسپار و

عَنَّا رَافَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِيْ هَذَا الْوَقْتِ

مهر و رافتت را از ما باز مگردان ای مهربانترین مهربانان خدایا قرارمان ده در این وقت

مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ، وَ شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَ تَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ

از کسانی که از تو درخواست کرده و عطا فرموده ای و شکر تو را بجا آورده و نعمت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و پذیرفته ای

مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَعَفَّرَتْهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اَللّٰهُمَّ وَ نَقِّنَا (۲۳) وَ سَدِّدْنَا،

و از گناهان بسوی تو بیرون آمده و تو همه را آمرزیده ای، ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا ما را پاکیزه و (در دین) محکمان گردان

وَأَقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُزِحِمَ، يَا مَنْ لَا

و تضرع و زاریمان بپذیر ای بهترین کسی که از او درخواست شود و ای مهربانترین کسی که از او مهر خواهند ای که

يَخْفَى عَلَيْهِ إِعْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي

بر او پوشیده نیست بهم نهادن پلکهای چشم و نه بر هم خوردن دیدگان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستقر گردیده

الْمَكْنُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ

و نه آنچه در پرده دلها نهفته است آری تمام آنها رادانش تو شماره کرده

عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلوًّا

و بردباریت همه را در برگرفته است منزهی تو و برتری از آنچه ستمکاران گویند

كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ

برتری بسیاری، تنزیه کنند تو را آسمانهای هفتگانه و زمینها و هرکه در آنهاست و چیزی نیست

إِلَّا يَسْبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ

جز آن که به ستایش تو تسبیح کند پس تو راست ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه، ای صاحب جلالت

وَالْأَكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ

و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی و موهبتهای بزرگ و تویی بخشنده

الْكَرِيمِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ، اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي

بزرگوار رؤوف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی حلال خود و عافیتم بخش

فِي بَدَنِي وَ دِينِي، وَ اَمِنْ خَوْفِي، وَ اَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اَللّٰهُمَّ لَا تَمَكُرْ

در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ آزادم کن خدایا مرا به مکر خود

بی، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَ اِذْرَءْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ

دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی مبر و فرییم مده و شرّ تبهکاران جن و

وَالْاِنْسِ

انس را از من دور کن

آنگاه سر خود را به سوی آسمان بلند کرد و در حالی که از دیده های مبارکش اشک فراوان سرازیربود، با صدای بلند گفت:

يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا اَسْرَعَ

ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینایان و ای سریعترین

الْحَاسِبِينَ، وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ

حساب رسان و ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر محمد و آل محمد آن آقایان

الْمِيَامِينَ، وَاسْأَلْكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا

فرخنده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی دیگر هر چه را از من

مَنْعَتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَكْ رَقَبَتِي مِنْ

دریغ کنی زیانم نزند و اگر آنرا از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هر چه به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم مرا از

النَّارِ، لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ، وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَ أَنْتَ

آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه ای که شریک نداری از توست فرمانروایی و از توست ستایش و تویی که

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ.

بر هر چیز توانایی ای پروردگار ای پروردگار.

جمله یا ربّ را به طور مکرّر می گفت و کسانی که اطراف آن حضرت بودند، به دعای ایشان گوش می دادند و تنها آمین می گفتند و همراه آن حضرت صداهایشان به گریه بلند بود؛ تا آنگاه که آفتاب غروب کرد و همگی به سوی «مشعرالحرام» حرکت کردند.

مرحوم «سید بن طاووس» در «اقبال»، پس از جمله «یا ربّ، یا ربّ، یا ربّ»، فراز دیگری را نیز آورده است که چنین است: (۲۴)

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا

خدا من چنانم که در حال توانگری هم فقیرم پس چگونه فقیر نباشم در حال تهیدستیم خدایا من

الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي، إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ

نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین نادانی خدایا براستی اختلاف

تَذْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوَاءٍ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ الشُّكُونِ

تدبیر تو و سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند از بندگان عارف تو که به

إِلَى عَطَاءٍ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ، إِلَهِي مَنَى مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي، وَمِنْكَ مَا

عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مأیوس و ناامید شوند خدایا از من همان سرزند که شایسته پستی من است و از تو انتظار رود آنچه

يَلِيقُ بِكَرَمِكَ، إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ

شایسته بزرگواری توست خدایا تو خود را به لطف و مهر به من توصیف فرمودی پیش از آن که

ضَعْفِي، أَفْتَمَنَعْنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي، إِلَهِي إِنَّ ظَهَرْتَ الْمَحَاسِنُ

ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت را از من دریغ می داری خدایا اگر کارهای نیک

مِنِّي فَبِفَضْلِكَ، وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرْتَ الْمَسَاوِي مِّنِّي فَبِعَذْلِكَ،

از من سرزند به فضل تو بستگی دارد و تو را منتی است بر من و اگر کارهای بد از من روی دهد آن هم بستگی به عدل تو دارد

وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ، إِلَهِي كَيْفَ تَكِلُنِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَ لِي، وَكَيْفَ أَضَامُ وَأَنْتَ

و تو را بر من حجت است خدایا چگونه مرا وا می گذاری در صورتی که کفایتی کردی و چگونه مورد ستم واقع گردم با این که تو

النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أَخِيْبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي

یاور منی یا چگونه ناامید گردم در صورتی که تو نسبت به من مهربانی هم اکنون به درگاه تو توسل جویم بوسیله آن نیازی که به درگاهت دارم

إِلَيْكَ، وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو

و چگونه توسل جویم بوسیله فقری که محال است پیرامون تو راه یابد یا چگونه از حال خویش به درگاهت شکوه کنم

إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أُتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزُ

با این که حال من بر تو پنهان نیست یا چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از پیش تو بُروز کرده

إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ أَمَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ

به نزد خودت یا چگونه آرزوهایم به نومیدی گراید با این که به آستان تو وارد شده یا چگونه احوالم را نیکو نکنی

أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ، إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَمَا أَرْحَمَكَ بِي

با این که احوال من به تو قائم است خدایا چه اندازه به من لطف داری با این نادانی عظیم من و چقدر به من مهر داری با

مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي، إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَمَا أَزَافَكَ بِي، فَمَا

این کردار زشت من خدایا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم و با این همه که تو نسبت به من مهربانی پس آن چیست

الَّذِي يَخْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلِ الْأَطْوَارِ،

که مرا از تو محجوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول اطوار بدست آورده ام

أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ،

مقصود تو از من آن است که خود را در هرچیزی (جداگانه) به من بشناسانی تا من در هیچ چیزی نسبت به تو جاهل نباشم

إِلَهِی کُلَّمَا أَحْرَسَنِی لَوْمِی أَنْطَقَنِی کَرَمُکَ، وَکُلَّمَا اَیْسَتَنِی أَوْصَافِی

خدایا هر اندازه پستی من زبانم را لال می کند کرم تو آن را گویا می کند و هر اندازه اوصاف من مرا مأیوس می کند

أَطْمَعَتَنِی مِنْکَ، إِلَهِی مَنْ کَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِی، فَکَیْفَ لَا تَکُونُ

نعمتهای تو به طمعم اندازد خدایا آن کس که کارهای خوبش کار بد باشد پس چگونه کار

مَسَاوِیهِ مَسَاوِی، وَمَنْ کَانَتْ حَقَاقِیْقُهُ دَعَاوِی، فَکَیْفَ لَا تَکُونُ دَعَاوِیهِ

بدش بد نباشد و آن کس که حقیقت گویی هایش ادعایی بیش نباشد پس چگونه ادعاهایش

دَعَاوِی، إِلَهِی حُکْمُکَ النَّافِذُ وَمَشِیَّتُکَ الْقَاهِرَةُ لَمْ یَتْرُکَا لِذِی مَقَال

ادعا نباشد خدایا فرمان نافذت و مشیت قاهرت برای هیچ گوینده ای فرصت گفتار

مَقَالًا، وَلَا لِذِی حَالٍ حَالًا، إِلَهِی کَمْ مِنْ طَاعَةِ بَنَیْتُهَا، وَحَالَةٍ شَیَّدْتُهَا،

نگذارد و برای هیچ صاحب حالی حال به جای ننهد خدایا چه بسیار طاعتی که پایه گذاری کردم و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم

هَدَمَ اعْتِمَادِی عَلَیْهَا عَذْلُکَ، بَلْ أَقَالَنِی مِنْهَا فَضْلُکَ، إِلَهِی إِنَّکَ تَعْلَمُ أَنِّی

ولی (یاد) عدل تو اعتمادی را که بر آنها داشتم یکسره فرو ریخت بلکه فضل تو نیز اعتمادم را بهم زد خدایا تو می دانی

وَأِنْ لَمْ تَذُمَّ الطَّاعَةَ مِنِّی فِعْلًا جَزْمًا، فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا، إِلَهِی کَیْفَ

که اگر چه طاعت تو در من بصورت کاری مثبت ادامه ندارد ولی دوستی و تصمیم بر انجام آن در من ادامه دارد خدایا چگونه

أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ، وَکَیْفَ لَا أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْأَمِیْرُ، إِلَهِی تَرَدَّدِی فِی الْأَثَارِ

تصمیم گیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه تصمیم نگیرم با این که تو دستورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) من در آثار تو

يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةِ تَوْصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ

راه مرا به دیدارت دور سازد پس کردار مرا با خودت بوسیله خدمتی که مرا به تو برساند چگونه

يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ

استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستیش نیازمند به توست و آیا اساساً برای ما
سوای تو ظهوری

مَا لَيْسَ لَكَ، حَتَّى يَكُونَهُ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ، مَتَى غِبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى

هست که در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو گردد تو کی پنهان شده ای تا محتاج بدلیلی باشیم

دَلِيلٌ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْآثَارُ هِيَ الَّتِي تُوَصِّلُ

که به تو راهنمایی کند و چه وقت دور مانده ای تا آثار تو ما را به تو واصل گرداند

إِلَيْكَ، عَمِيثٌ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا، وَخَسِرْتَ صَفْقَةً عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ

کور باد آن چشمی که تو را نبیند که مراقب او هستی و زیان کار باد سودای آن بنده که از

مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا، إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ

محبت خویش به او بهره ای ندادی خدایا فرمان دادی که به آثار تو رجوع کنم پس بازم گردان بسوی خود
(پس از مراجعه به آثار)

بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَهَدَايَةِ الْأَسْتَبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا، كَمَا دَخَلْتُ

به پوششی از انوار و راهنمایی و از بینش جویی تا بازگردم بسویت پس از دیدن آثار هم چنانکه آمدم

إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونٍ السَّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعَ الْهِمَّةِ عَنِ الْأَعْتِمَادِ

بسویت از آنها که نهادم از نظر به آنها مصون مانده و همتم را از اعتماد بدانها برداشته باشم

عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا

که براستی تو بر هر چیز توانایی خدایا این خواری من است که پیش رویت عیان و آشکار است و این

حالی لا یخفی علیک، مِنْکَ أَطْلُبُ الْوُضُولَ إِلَیْکَ، وَبِکَ أَسْتَدِلُّ عَلَیْکَ،

حال (تباه) من است که بر تو پوشیده نیست از تو خواهم که مرا به خود برسانی و بوسیله ذات تو بر تو دلیل می جویم

فَاهْدِنِي بُنُورَكَ إِلَیْکَ، وَأَقِمْنِي بِصَدَقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِلَهِي عَلَّمَنِي

پس به نور خود مرا بر ذاتت راهنمایی فرما و به یادآور مرا با بندگی صادقانه در پیش رویت خدایا بیاموز به

مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصُنِّي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ، إِلَهِي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ

من از دانش مخزونت و محفوظم دار به پرده مصونت خدایا مرا به حقائق

أَهْلِ الْقُرْبِ، وَأَسْأَلُكَ بِي مَسَلِكَ أَهْلِ الْجَذْبِ، إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي

نزدیکان درگاهت بیارای و به راه اهل جذبه و شوق ببرد خدایا بی نیاز کن مرا به تدبیر خودت

عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ (۲۵) عَنِ اخْتِيَارِي، وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِزِ

درباره ام از تدبیر خودم و به اختیار خودت از اختیار خودم و بر جاهای بیچاگی و درماندگی مرا واقف گردان

اضْطِرَارِي، إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي

خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده و پاکم کن از شک

وَشِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا

و شرک خودم پیش از آن که داخل گورم گردم به تو یاری جویم پس تو هم یاریم کن و بر تو توکل کنم پس

تَكِلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي،

مرا وامگذار و از تو درخواست کنم پس ناامیدم مگردان و در فضل تو رغبت کرده ام پس محرومم مفرما

وَبِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِبَابِكَ أَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي، إِلَهِي تَقَدَّسْ

و به حضرت تو خود را بسته ام پس دورم مکن و به درگاه تو ایستاده ام پس طردم مکن خدایا مبراست

رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي، إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ

خشنودی تو از این که علت و سببی از جانب تو داشته باشد پس چگونه ممکن است من سبب آن گردم
خدایا تو به

بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، إِلَهِي

ذات خود بی نیازی از این که سودی از جانب خودت به تو برسد پس چگونه از من بی نیاز نباشی خدایا

إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمَيِّنِي، وَإِنَّ الْهَوَى بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ

براستی قضا و قدر مرا آرزومند می کنند و از آن سو هوای نفس مرا به بندهای شهوت اسیر کرده پس تو

النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَغْنِيَ بِكَ

یاور من باش تا پیروزم کنی و بینایم کنی و بوسیله فضل خویش بی نیازم گردانی تا بوسیله تو

عَنْ طَلَبِي، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، حَتَّى عَرَفُوكَ

از طلب کردن بی نیاز شوم تویی که تاباندی انوار (معرفت) را در دل اولیاییت تا این که تو را شناختند

وَوَحَّدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ، حَتَّى لَمْ

و یگانه ات دانستند و تویی که اغیار و بیگانگان را از دل دوستانت براندی تا این که کسی را جز

يُحِبُّوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ

تو دوست نداشته و به غیر تو پناهنده و ملتجی نشوند و تویی مونس ایشان در آن جا که

الْعَوَالِمُ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتْ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ

عوالم وجود آنها را به وحشت اندازد و تویی که راهنماییشان کنی آنگاه که نشانه ها برایشان آشکار گردد چه
دارد آن کس که تو را

فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ

گم کرده؟ و چه ندارد آن کس که تو را یافته است براستی محروم است آن کس که بجای تو بدیگری راضی
شود و بطور حتم

خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلًا، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ

زیانکار است کسی که از تو به دیگری روی کند چسان می شود بغیر تو امیدوار بود در صورتی که تو

الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْأَمْتَانِ، يَا مَنْ

احسانت را قطع نکردی و چگونه از غیر تو می توان طلب کرد با این که تو تغییر نداده ای شیوه عطا بخشیت را ای خدایی که

أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ حَلَاوَةَ الْمُوَانَسَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ

به دوستانت شیرینی همدمی خود را چشاندی و آنها در برابرت به چاپلوسی برخاستند و ای خدایی که پوشاندی

أَوْلِيَائَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ

بر اولیای خودت خلعتهای هیبت خود را پس آنها در برابرت به آمرزش خواهی بپاخواستند تویی که یاد کنی پیش از آن که

الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ

یاد کنندگان یادت کنند و تویی آغازنده به احسان قبل از آن که پرستش کنندگان بسویت توجه کنند و تویی بخشنده

بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنْ

عطا پیش از آن که خواهندگان از تو خواهند و تویی پربخشش و سپس همان را که به ما بخشیده ای از ما

الْمُسْتَقْرِضِينَ، إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذِبْنِي بِمَنْكَ

به قرض می خواهی خدایا مرا بوسیله رحمتت بطلب تا من به نعمت وصال نائل گردم و بوسیله نعمتت مرا جذب کن تا

حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنْ رَجَأْتَنِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنَّ

به تو رو کنم خدایا برآستی امید من از تو قطع نگردد و اگرچه نافرمانیت کنم چنانکه

خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْقَعَنِي

ترسم و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده اند و

عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، إِلَهِي كَيْفَ أَخِيْبُ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ أَهَانُ

آن علمی که به کرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدایا چگونه نومید شوم و تو آرزوی منی و چگونه پست و خوار شوم

وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّی، إِلَهی كَيْفَ اسْتَعِزُّ وَفِی الدَّلَّةِ اَرْكَزْتُنِی، اَمْ كَيْفَ لَا

با این که اعتمادم بر توست خدایا چگونه عزت جویم با این که در خواری جایم دادی و چگونه عزت نجویم با این که

اسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِی، إِلَهی كَيْفَ لَا افْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِی فِی الْفُقَرَاءِ

به خود مُنْتَسِبَم کردی خدایا چگونه نیازمند نباشم با این که تو در نیازمندانم

اَقَمْتَنِی، اَمْ كَيْفَ افْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِی بِجُودِكَ اَغْنَيْتَنِی، وَأَنْتَ الَّذِی لَا إِلَهَ

جای دادی یا چگونه نیازمند باشم و تویی که به جود و بخششت بی نیازم کردی و تویی که معبودی

غَیْرَكَ، تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَیْءٍ، فَمَا جَهِلَكَ شَیْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِی تَعَرَّفْتَ إِلَى فِی

جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیزو هیچ چیزی نیست که تو را نشناسد و تویی که شناساندی خود را به من در

كُلِّ شَیْءٍ، فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِی كُلِّ شَیْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَیْءٍ، یا مَنْ

هر چیز و من تو را آشکار در هر چیز دیدم و تویی آشکار بر هر چیز ای که

اسْتَوَى بِرَحْمَانِیَّتِهِ، فَصَارَ الْعَرْشُ غَیْبًا فِی ذَاتِهِ، مَحَقَّتِ الْآثَارَ بِالْآثَارِ،

بوسیله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه کردی و عرش در ذاتش پنهان شد تویی که آثار را به آثار نابود کردی

وَمَحَوْتَ الْأَغْیَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ، یا مَنْ اخْتَجَبَ فِی

و اغیار را به احاطه کننده های افلاک انوار محو کردی ای که در سراپرده های عرشش

سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، یا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ

محتجب شد از این که دیده ها او را درک کنند ای که تجلی کردی به کمال زیبایی و نورانیت

فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْأَسْتِوَاءَ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، اَمْ كَيْفَ تَغِیْبُ

و پابرجا شد عظمتش از استواری چگونه پنهان شوی با این که تو آشکاری یا چگونه غایب شوی که

وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ. (۲۶)

تو نگهبان و حاضری برآستی تو بر هر چیز توانایی و ستایش مخصوص خداست تنها.

6- در پایان روز عرفه این دعا را بخوان:

يَا رَبِّ إِنَّ دُنُوبِي لَا تَضُرُّكَ، وَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِي لَا تَنْقُصُكَ، فَأَعْطِنِي مَا لَا

پروردگارا همانا گناهان من زیانی به تو نزند و محققاً آمرزش تو از من نقصانی به تو نرساند پس عطا کن به من آنچه را

يَنْقُصُكَ، وَاعْفُ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ. (۲۷)

نقصانت نرساند و بیامرز برایم آنچه را زیانت نزند.

همچنین بخوان:

اَللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنِيْ خَيْرَ مَا عِنْدَكَ لِشَرِّ مَا عِنْدِيْ، فَاِنْ اَنْتَ لَمْ تَرْحَمْنِيْ

خدایا محروم مکن از آن خیری که نزد توست بخاطر آن شری که در پیش من است پس اگر تو به

يَتَّبَعِيْ وَنَصَبِيْ، فَلَا تَحْرِمْنِيْ اَجْرَ الْمُصَابِ عَلَى مُصِيبَتِهِ. (۲۸)

رنج و خستگیم رحم نمی کنی پس محروم مدار از پاداش مصیبت دیده ای بر مصیبتش.

منبع: سایت هدانا برگرفته از مفاتیح نوین حضرت آیت الله مکارم شیرازی.

اهمیت روز عرفه

اعمال شب و روز عرفه در کتاب المراقبات

اعمال روز عرفه در مفاتیح الجنان

اعمال شب عرفه در مفاتیح الجنان

روژه در روز مشکوک بین عرفه و عید قربان
